

کتابخانه تخصصی
فنون و صنایع



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده الهیات و ادیان

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه سیاسی

عنوان:

بررسی قاعده مقابله به مثل در سیاست بین الملل

از منظر فقه سیاسی شیعه

استاد راهنما:

دکتر علی قاسمی

استاد مشاور:

دکتر محمدمهدی باباپور گل افشانی

نگارش:

حامد یزدانی

دی ۱۴۰۱



باسمه تعالی

تعهد اصالت اثر

اینجانب ...**حامد میرزایی**... متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم‌سطح یا بالاتری ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد.

نام و نام خانودگی دانشجو: **حامد میرزایی**.....
امضاء و تاریخ: **۱۳۹۸/۱۰/۲۸**.....



دانشگاه شهید بهشتی

تهران ۱۹۸۳۹۶۳۱۱۳
اوین تلفن: ۲۹۹۰۱

تاریخ: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

شماره:

۳۰۰/۰۱.۲۰۷۶۲

صورتجلسه دفاع پایان نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته
با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته آقای حامد یزدانی
به شماره دانشجویی: ۹۹۴۲۳۰۸۰ رشته: فقه سیاسی
تحت عنوان: بررسی قاعده مقابله به مثل در سیاست بین الملل از منظر فقه سیاسی شیعه

که در تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۸ ساعت ۱۱:۰۰ در محل دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات وادیان با حضور هیات محترم داوران در دانشگاه شهیدبهشتی برگزار گردید به شرح زیر است:

فصلنامه (با درجه): مردود دفاع مجدد

مردود (کمتر از ۱۴)

متوسط (۱۴-۱۵.۹۹)

خوب (۱۶-۱۷.۹۹)

خیلی خوب (۱۸-۱۸.۹۹)

عالی (۱۹-۲۰)

۱۱۱

عضو هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
راهنما	علی قاسمی	استادیار	
مشاور	محمد مهدی باباپور گل افشانی	دانشیار	
داور داخلی	یوسف خان محمدی	دانشیار	
داور داخلی	مرتضی سمنون	استادیار	
نماینده تحصیلات تکمیلی	سید محمد رضا مرندي	استادیار	

«تذکر: این صورتجلسه صرفاً مبین نتیجه جلسه دفاع بوده و فاقد ارزش گواهی فراغت از تحصیل است. بنابراین ارائه و یا پذیرش آن به عنوان گواهی

فراغت از تحصیل هیچگونه وجهت قانونی ندارد.»

تقدیم به

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم

موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند

و عارفانه و با تعهد در راه خدا جان دادند تا با خونشان دل‌های مرده ما را در مسیر حقیقت، روح دوباره

بدمند تا از قافله دردمندان باشیم

پدرانمان،

مادرانمان،

استادانمان،

شهیدایمان...

تقدیر

پروردگار را سپاسگزارم که به من فرصت آموختن داد. از پدر و مادر عزیز و مهربانم به خاطر زحماتی که در طول زندگی برای پیروزی و شادکامی من به جان خریدند، تشکر می‌کنم. از همسر عزیزم به خاطر همکاری‌ها و دلگرمی‌هایش متشکرم.

از اساتید محترم جناب آقای حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر علی قاسمی که به‌عنوان استاد راهنما، زحمت زیادی برای تحقق این پایان‌نامه متقبل شدند و همچنین استاد محترم حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر محمد مهدی باباپور گل‌افشانی که به‌عنوان استاد مشاور ما را در این راه یاری کردند، کمال تقدیر و تشکر و آرزوی توفیق روزافزون دارم.

امید است بتوانیم در راه تعالی اسلام و خدمت به مردم در ذیل حاکمیت نظام اسلامی قدردان زحمات شما و کسانی که در راه خدا با شهادتشان، مسیر علم‌آموزی را در سایه حکومت اسلامی هموار کردند، در ذیل عنایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام باشیم.



نام خانوادگی: یزدانی نام: حامد

دانشکده: الهیات و ادیان

نام استاد راهنما: دکتر علی قاسمی

عنوان رساله: بررسی قاعدهٔ مقابله به مثل در سیاست بین الملل از منظر فقه سیاسی شیعه

رشته تحصیلی و گرایش: رشته فقه سیاسی

تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

چکیده:

اسلام در حوزهٔ سیاست بین الملل و تعامل با دیگر دولت‌ها، به عنوان اصول اساسی خود برای تعامل و کنشگری در تمام عرصه‌ها، قواعد مختلفی دارد. با توجه به جو سیاسی جهان امروز، وجود اندیشه‌ها و رفتارهای استکباری و شرایط حاکم بر جهان، تبیین و بررسی قاعدهٔ مقابله به مثل برای تعامل با دولت‌های ملل مختلف و بازدارندگی در مقابل زورگویی‌های دولت‌های مستکبر یک ضرورت پژوهشی است. با توجه به گسترهٔ این قاعده در گرایش‌های مثبت و منفی، در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تبیین و تحلیل این قاعده بر اساس مستندات فقهی شیعه، به بررسی نمونه‌هایی از اجرای این قاعده در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی در گرایش‌های مثبت و منفی پرداخته شده و پاسخی تحلیلی و مستند برای این سؤال اصلی که «ماهیت قاعدهٔ مقابله به مثل در سیاست بین الملل از منظر فقه سیاسی شیعه چیست؟» فراهم شده است. اهم یافته‌های پژوهش این است که بر اساس منابع فقهی شیعه، این قاعده در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی در گرایش مثبت و منفی، قابلیت اجرایی دارد.

واژگان کلیدی: فقه، سیاست، دفاع، مقابله به مثل، سیاست بین الملل، فقه سیاسی شیعه.

فهرست اجمالی

۱	طرح
۵	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۶	مفاهیم
۱۱	کلیات
۲۱	فصل دوم: مبانی و ادله
۵۵	فصل سوم: کاربرد قاعده
۸۰	نتیجه گیری
۸۲	فهرست منابع

فهرست مطالب

طرح	۱
بیان مسئله	۱
سؤالات پژوهش	۱
فرضیه پژوهش	۲
اهداف پژوهش	۲
بهره‌وران یا استفاده‌کنندگان از نتایج پژوهش	۲
پیشینه و سابقه علمی پژوهش	۲
تبیین جنبه نوآوری پژوهش	۳

فصل اول:

مفاهیم و کلیات

مفاهیم	۶
۱. مقابله به مثل	۶
۱,۱. معنای لغوی	۶
۱,۲. معنای اصطلاحی	۷
۲. سیاست	۸
۳. فقه سیاسی	۹
۴. سیاست بین الملل	۱۰
۵. روابط بین الملل	۱۰
کلیات	۱۱
۱. مفاهیم بنیادین مقابله به مثل در اسلام	۱۱
۱,۱. قصاص	۱۱
۱,۲. دفاع	۱۱

۱۲ ۱,۳. جهاد تدافعی
۱۳ ۲. مفاهیم بنیادین مقابله به مثل در حقوق بین الملل
۱۳ ۲,۱. دفاع مشروع (Legitimate defense)
۱۳ ۲,۲. دفاع پیشگیرانه (Priventive defense)
۱۳ ۲,۳. دفاع جمعی (Collective defense)
۱۴ ۲,۴. عمل تلافی جویانه (Reprisal)
۱۴ ۳. فلسفه مقابله به مثل
۱۵ ۴. اقسام مقابله به مثل
۱۶ ۴,۱. مقابله به مثل با گرایش مثبت
۱۷ ۴,۲. مقابله به مثل با گرایش منفی
۱۸ ۵. دامنه مقابله به مثل

فصل دوم:

مبانی و ادله

۲۲ ۱. قرآن
۲۳ ۱,۱. آیات دلالت کننده با گرایش مثبت و منفی
۲۷ ۱,۲. آیات دلالت کننده با گرایش مثبت
۳۰ ۱,۳. آیات دلالت کننده با گرایش منفی
۴۳ ۲. روایات
۴۳ ۲,۱. روایات مقابله به مثل با گرایش مثبت
۴۶ ۲,۲. روایات مقابله به مثل با گرایش منفی
۴۹ ۳. عقل و بنای عقلا
۴۹ ۴. فقها و اجماع در قاعده مقابله به مثل
۵۰ ۴,۱. در باب قصاص

فصل سوم:

کاربرد قاعده

۱. کاربرد قاعدهٔ مقابله به مثل در امور مثبت و نیک ۵۷
۲. کاربرد قاعدهٔ مقابله به مثل در امور منفی و ناپسند ۶۵
- نتیجه‌گیری ۸۰
- فهرست منابع ۸۲

طرح

بیان مسئله

در حوزه سیاست بین‌الملل، قواعد مختلف فقهی به کار می‌رود که یکی از آن قواعد مهم فقهی و پرکاربرد در این حوزه، قاعدهٔ مقابله به مثل است. این قاعده که از فطرت انسان سرچشمه می‌گیرد و بنای عقلا بر جواز جریان طبیعی آن صحنه می‌گذارد، هم در حوزه سیاست داخلی و هم در حوزه سیاست خارجی در روابط بین‌الملل کاربرد دارد؛ هرچند کاربرد این قاعده و گسترهٔ آن در حیطهٔ سیاست بین‌الملل از فراوانی بیشتر برخوردار است و در ادامهٔ اصولی چون وفای به عهد، عرف و قواعد بین‌المللی و... مطرح می‌شود. این قاعده هم در امور مثبت و نیک بین‌المللی و هم در امور منفی و ناپسند به کار می‌رود؛ هرچند در امور منفی از گستره بیشتری برخوردار است.

این قاعده از آیات قرآن، سنت، بنای عقلا و فتاوی فقها بهره می‌برد و با توجه به شرایط زمان و حاکم بر سیاست بین‌الملل، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این رو در این تحقیق قاعدهٔ فقهی مقابله به مثل را در عرصهٔ سیاست بین‌الملل از منظر فقه سیاسی شیعه، بررسی می‌کنیم.

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی: ماهیت قاعدهٔ مقابله به مثل در سیاست بین‌الملل از منظر فقه سیاسی شیعه چیست؟

سؤالات فرعی: مفاد و مفهوم قاعدهٔ مقابله به مثل به چه صورت است؟ ادله و مستندات فقهی قاعدهٔ مقابله به مثل به چه صورت است؟ کاربردهای مثبت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی قاعدهٔ مقابله به مثل در حوزهٔ سیاست بین‌الملل، به چه صورت است؟ کاربردهای منفی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی قاعدهٔ مقابله به مثل در حوزهٔ سیاست بین‌الملل، به چه صورت است؟

فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی مستحکم فقهی قاعده مورد بحث، این قاعده هم در حوزه داخلی و هم سیاست بین‌الملل کاربرد و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ لذا در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی در امور مثبت و منفی (در گستره بیشتر) به کار می‌رود.

اهداف پژوهش

تبیین قاعده مقابله به مثل و شمولیت و کاربرد آن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از منظر فقه سیاسی شیعه و جهت‌گیری‌های متناسب در موارد مثبت و منفی، اهداف این پژوهش است.

بهره‌وران یا استفاده‌کنندگان از نتایج پژوهش

۱. دانشجویان رشته فقه سیاسی و علوم سیاسی؛
۲. حاکمان و مسئولین نظام سیاسی.

پیشینه و سابقه علمی پژوهش

در کتب فقهی و حقوقی به صورت مجزا در مورد این قاعده به جز دو کتابی که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم بحث مفصلی صورت نگرفته است؛ اما تعدادی مقاله در مورد قاعده تجاوز به مثل به روش‌های مختلف نگاشته شده است که در ذیل اشاره می‌شود:

الف. کتاب «قاعده مقابله به مثل در حقوق بین‌الملل از دید اسلام»؛ نوشته محمدحسین اسکندری: در این کتاب، به سه موضوع «مفاهیم و کلیات»، «ادله فقهی قاعده مقابله به مثل» و «طرح صغریات قاعده و تطبیق بر موارد جنگ، صلح، عهد و اسرا» پرداخته شده است. همان‌طور که نویسنده کتاب هم بدان اذعان می‌کند، کتاب تمامی مباحث را به صورت کامل بیان نکرده است و خودش آن را نقطه شروعی برای طرح بحث پیرامون این قاعده می‌داند.

ب. کتاب «قاعده مقابله به مثل در حقوق بین‌الملل از دید فقه امامیه»؛ نوشته یاسر صالحی: در این کتاب،

به تبیین ادله مشروعیت مقابله به مثل و نقش و جایگاه آن در ابواب فقه امامیه، تبیین احکام و مقررات فقهی به ترتیب و شیوه نوین در خصوص جنگ و دفاع و تبیین قواعد حقوق جنگ در اقدامات مقابله به مثل از دیدگاه فقه امامیه و حقوق بین‌الملل پرداخته شده است.

ج. مقاله *قاعده مقابله به مثل در قرآن*؛ نوشته حسین هوشمند فیروزآبادی: در این مقاله، قاعده و محدودیت‌ها و موانع آن در سه حیطه حقوق خصوصی، حقوق جزا و حقوق بین‌الملل از منظر قرآن کریم، تبیین و بررسی شده است.

چ. جایگاه مقابله به مثل در سیاست خارجی دولت؛ نوشته محمدعلی میرعلی و محمدناصر عارفی: نویسندگان این مقاله به دنبال واکاوی شیوه‌های کاربرد قاعده در روابط بین‌الملل از منظر قرآن با روش توصیفی - تحلیلی هستند.

د. قاعده مقابله به مثل و اقدامات تلافی‌جویانه؛ نوشته دکتر سید محمدرضا آیتی و محمد اسماعیل شادروان: در این مقاله جواز و عدم جواز اجرای این قاعده و حدود و ثغور آن برای به‌کارگیری سلاح‌های نظامی در قالب اعمال مسلحانه تلافی‌جویانه، بررسی شده است.

موضوع مورد پژوهش در این کتب به مجاری این قاعده در ابعاد مختلف آن‌ها به صورت مفصل نپرداخته و مقالات به صورت گذرا، به برخی از مباحث پرداخته شده است. لذا همه کتب و مقالات یاد شده، این کاستی را در قبال موضوع دارد که «نگاه جامع به قاعده و عدم سرریان آن در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی» نداشته و از این جهت حق مطلب ادا نشده است. لذا ما در این تحقیق به ابعاد مختلف این قاعده در سیاست بین‌الملل و گستره آن در امور مثبت و منفی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خواهیم پرداخت و به‌علاوه، همه این زوایا را از منظر فقه سیاسی شیعه، بررسی خواهیم کرد. هرچند در برخی مقالات یاد شده هم موضوع، از نظر قرآن بررسی شده و قرآن یکی از منابع اصلی استنباط فقه شیعه است؛ اما فقه شیعه به جز قرآن، سنت و سیره معصومین، بنای عقلا و اقتضائات زمان که مبتنی بر فتوای فقها است را نیز شامل می‌شود و موضوع مورد بحث را با نگاه جامع‌تر بررسی می‌کند.

تبیین جنبه نوآوری پژوهش

بررسی این قاعده در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی در موارد مثبت و منفی، جنبه نوآوری این پژوهش است.

فصل اول:

مفاهیم و کلیات

مفاهیم

۱. مقابله به مثل

۱.۱. معنای لغوی

این مفهوم ترکیبی از دو واژه مقابله و مثل است. در کتاب‌های لغت معانی برای این واژه‌ها ذکر شده است که به بیان برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

مقابله واژه عربی، از باب مفاعله، مصدر ثلاثی مزید «قَابَلَ» و بیانگر کار دوطرفه است که در فارسی به معنای مواجهه شدن، روبه رو شدن و نیز تلافی کردن آمده (معین، ۱۳۷۱: ۴۲۷۹ و مصطفوی ۱۴۳۰، ۹: ۲۰۶) و در لسان العرب مواجهه معنا شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۱: ۵۴۰) قَابَلَ به معنای رو در رو کسی قرار گرفتن، باکسی معارضه کردن و مواجه شدن، (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۵۲۵) مقایسه، برابری، ضدیت، رویارویی، تلافی کردن و مخالفت معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳: ۱۸۷۹۶)

واژه مثل را در کتب لغت، مانند و نظیر (معین، ۱۳۷۱: ۳۸۵۷) و شبه و مانند (طریحی، ۱۳۷۵، ۵: ۴۷۱) معنا کرده‌اند. مقابله به مثل را به معنای تلافی کردن یا بدی و نیکی کسی را بعینه عوض دادن آورده‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳: ۱۸۷۹۸)

در فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های فارسی و عربی، با چهار ترکیب مختلف روبه‌رو می‌شویم که ظاهراً همه آن‌ها بیانگر یک معنا است یا مفاهیم بسیار نزدیک به هم دارد؛ مانند ترکیب‌های مقابله به‌مثل، معامله به‌مثل، معامله متقابل و اقدامات مشابه. (اسکندری، ۱۳۷۹: ۱۴)

در حقوق بین‌الملل هم با تعبیری مواجه می‌شویم که مفاهیمی نزدیک به مفهوم مقابله به‌مثل دارند؛ عباراتی مانند Retaliate به معنای معامله به‌مثل و تلافی کردن، Reprisal به معنی تلافی، انتقام و بیشتر در مورد مجازات اسیران جنگی یا گرفتن اتباع بیگانه یا غضب دارایی‌هایشان به‌عنوان تلافی و مقابله به‌مثل به کار می‌رود و نیز تعبیر Reciprocal به معنای متقابل و دوجانبه که در فعال کردن داد و ستد و معاملات بین‌المللی مؤثر است. (ر.ک. همان: ۱۵_۱۷)

۱.۲. معنای اصطلاحی

مقابله به‌مثل عبارت است از اعمال قاطعانه یک حق به‌منظور پاسخ به عمل مشابه دولت دیگر؛ هرچند فی‌نفسه و ابتدا به ساکن غیرقانونی باشد. به‌عبارت دیگر مقابله به‌مثل، روشی است که مهاجم را وارد یک محاسبه منطقی سود و زیان احتمالی و ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی آن می‌کند، تا به تصمیم‌گیری منطقی وادار شود. به همین دلیل پیش از آنکه یک روش نظامی تلقی گردد، یک روش عقلانی محسوب می‌شود. درعین‌حال الگویی است که می‌تواند تلخی خشونت و پیامدهای آن را به متجاوز نیز گسترش دهد و به او بفهماند که خشونت می‌تواند برای مهاجم تلخ باشد. (صالحی، ۱۳۹۷: ۱۴ و ۱۵)

این تعریف اصطلاحی از مقابله به‌مثل مربوط به اسلام است که در موارد فردی هم به همین صورت معنا می‌شود، ولی در حقوق بین‌الملل مقابله به‌مثل را انجام عملی می‌دانند که به‌قصد قهر و اجبار و برخلاف قوانین عادی حقوق بین‌الملل، از سوی کشوری که از اقدام غیر مشروع کشور دیگر خسارت دیده است، صورت می‌گیرد تا به اجبار آن کشور را وادار به رعایت حقوق خود سازد. درواقع این عمل ذاتاً غیر مشروع است، ولی چون جوابگوی عمل غیرمشروع دیگری است که قبلاً انجام گرفته است. هدف از آن، اجبار و قهر مرتکب قبلی است که یا از عمل خود دست بردارد، یا خسارت را جبران کند یا از تقصیر خود عذر بخواهد. در این صورت عمل مقابله به‌مثل به نحو استثنایی توجیه می‌شود. (مسائلی و ارفعی، ۱۳۷۳: ۱۳۱)

در یکی از فرهنگ‌های حقوقی فارسی «مقابله به‌مثل» را به معنای «معامله به‌مثل» دانسته است و در بیان مفهوم اصطلاحی آن می‌گوید: «معامله به‌مثل، هر عمل متقابل، در روابط بین‌الملل را گویند». (جعفری

لنگرودی، ۱۳۶۷: ۳۸) این تعریف مفهوم وسیع‌تری را در مورد این قاعده نسبت به دو تعریف قبل به ما می‌رساند.

۲. سیاست

رعیت‌داری، حراست و نگهداری، حکم راندن، ریاست، داوری، تدبیر و دوراندیشی، مجازات و تنبیه (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۸، ۷۹۷)، اداره امور کشور، درایت، خردمندی، برنامه کار یا شیوه عمل (عمید، ۱۳۸۹: ۸۵۴)، از جمله معانی واژه سیاست است؛ اما در اصطلاح امروزی، سیاست به علمی تبدیل شده که به تحلیل و بررسی جنبه‌های سیاسی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد. اندیشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی تعاریف متفاوتی برای واژه سیاست ذکر کرده‌اند که ما برخی از آن تعاریف را در دو دیدگاه اندیشمندان اسلامی و غربی بیان خواهیم کرد. ابتدا به دیدگاه اندیشمندان اسلامی می‌پردازیم:

حضرت امام خمینی (ره):

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۰، ۱۳: ۲۱۷ _ ۲۱۸)

علامه محمدتقی جعفری:

سیاست به معنای حقیقی آن عبارت است از مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی انسان در مسیر حیات معقول. (جعفری، ۱۳۷۳: ۵۳)

حضرت امام سیاست را به معنای راه بردن، رهبری کردن و هدایت افراد جامعه به سوی هدف متعالی اسلام و علامه هم آن را مدیریت و تنظیم زندگی به نحوی که انسان را به هدف غایی خلقتش برساند، تعریف کرده‌اند. وجه مشترک تعاریف ذکر شده از دیدگاه اندیشمندان اسلامی این است که سیاست را با نگاه رابطه انسان با خدا تعریف کرده‌اند. چنانکه پیدا است، مسئله هدایت‌گری و رسیدن به هدف متعالی و یا حیات معقول محور تعریف آنان است.

اما برخی از اندیشمندان غربی، مرکز علم سیاست را دولت (state) می‌دانند، عده‌ای از آنان قائلند که علم سیاست با حکومت (government) سر و کار دارد و گروه سوم تلفیقی از این دو نظر را می‌پذیرند. اینک به دیدگاه برخی از آنان اشاره می‌شود:

هارولد لاسول می‌گوید: «سیاست مطالعه دولت است» (اسکندری، ۱۳۷۸: ۲۱) و فرهنگ لیتره، سیاست

را «علم بر جوامع کشور» می‌داند. (همان) چنانکه پیداست در تعریف اول، دولت‌محور است و در تعریف دوم حکومت که نوعی نهاد اجتماعی و رسمی است؛ اما پل ژانت متفکر و محقق فرانسوی، سیاست را تلفیقی از دولت و حکومت دانسته و می‌گوید: «علم سیاست آن بخشی از علوم اجتماعی [است] که دربارهٔ بنیادهای دولت و اصول حکومت بحث و بررسی می‌کند. (عالم، ۱۳۷۳: ۹)

از نوع نگاه دانشمندان غرب به سیاست، می‌توان برداشت کرد که سیاست در غرب برمدار «قدرت» می‌چرخد و هدف از سیاست در غرب قدرت‌های بشری است و ربطی به هدف آفرینش انسان ندارد. در حالی‌که در نگاه اندیشمندان مسلمان، هدف خلقت و رابطه انسان و خدا در تعریف سیاست مد نظر است. مبنای ما هم در این پژوهش، همان تعریف اندیشمندان اسلامی است.

۳. فقه سیاسی

فقه‌های شیعی برای فقه سیاسی تعاریف متفاوتی دارند که به چند مورد اشاره می‌شود:

آیت‌الله خامنه‌ای در تعریف فقه سیاسی می‌گوید:

فقه سیاسی یعنی آن بخشی از فقه که مربوط به ادارهٔ سیاسی کشور هست، مسائل اجتماعی و مسائل حکومت و مسائل جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و امثال این‌ها. (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۶)

برخی مانند عمید زنجانی می‌گویند فقه سیاسی را به دو صورت می‌توان تعریف کرد:

الف. فقه سیاسی، کلیهٔ مباحث سیاسی فقه است، مثل خطبه‌های نماز جمعه، دارالاسلام، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حدود و دیات و دیگر مباحث و احکام فقهی، رنگ و بوی سیاسی دارد. این تعریف سستی از فقه سیاسی است.

ب. اما تعریف امروزی فقه سیاسی عبارت است از:

تمامی پاسخ‌هایی که فقه به سؤال‌های سیاسی عصر و زمان می‌دهد؛ مثلاً دیدگاه فقه در خصوص انتخابات، تفکیک قوا، مشروعیت و جایگاه دستگاه اجرایی و... همه در محدودهٔ فقه سیاسی است. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۲، ۴۱)

حال با توجه به این تعاریف که از جهات مختلف به آن نگریسته شده است، اگر فقه سیاسی را به این دو معنا بگیریم، فقه سیاسی شامل نظام سیاسی، فلسفهٔ سیاسی و اندیشهٔ سیاسی می‌شود؛ یعنی همهٔ این

مفاهیم در تعریف فقه سیاسی گنجانده شده است.

۴. سیاست بین الملل

سیاست بین الملل در اصطلاح به مطالعه اقدامات دولت‌ها و واکنش‌ها یا پاسخ‌های دیگران و به‌طور کلی به اعمال و رفتارهای متقابل دو یا چند واحد سیاسی اطلاق می‌شود. (قوام، سیدعبدالعلی، ۱۳۹۰: ۲۵)

۵. روابط بین الملل

روابط بین الملل به مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای حکومتی و نیز نهادهای غیردولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملت‌ها گفته می‌شود. (همان)